

درس گفتارهای تاریخ فلسفه کانت و یاکوبی

دورگ ویلهلم فریدریش هگل

ترجمه‌ی

سیمین آیدخوش

(عضو هیئت علمی دانشگاه بهید بهشتی تهران)

نشر فارسی

۱۳۹۵

درسگفتارهای تاریخ فلسفه

کانت و یاکوبی

گنورگ ویلهلم فریدریش هگل

مترجم: میثم سفیدخوش

براستار: محمد دادخواه تهرانی

طراح جلد: نرگس کشفی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حالت: محفوظ است

مشخصات کتاب شناسی کتابخانه ملی

سرشناسه:	هگل، گنورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۰۱
عنوان و نام پدیدآور:	درسگفتارهای تاریخ فلسفه کانت و یاکوبی / گنورگ ویلهلم فریدریش هگل؛
ترجمه میثم سفیدخوش	
مشخصات نشر:	تهران: نشر فارسی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	ل. ۹۱ ص.
شابک:	۸۰۰۰ ریال ۸-۸۱-۹۶۱۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیب
یادداشت:	ترجمه حاضر بخشی از کتاب «درسگفتارهای تاریخ فلسفه» شامل برتر جمع‌آوری «کانت» و فصل «یاکوبی» آن کتاب می‌باشد. در نتیجه برای این ترجمه عنوان فرعی «کانت و یاکوبی» انتخاب شده است.
یادداشت:	عنوان اصلی: Lectures on the History of Philosophy
موضوع:	تاریخ -- فلسفه
شناسه افزوده:	سفیدخوش، میثم، ۱۳۶۰-، مترجم
رده‌بندی کنگره:	D ۱۶/۸/۵۸۴ ۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی:	۹۰۱
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۰۳۴۴۳

فهرست مطالب

۵		سخن ناشر
۵		دیاچه‌ی مترجم
۱		کانت
۱		[درآمد]
۱۳		۱. خرد نظری
۴۲		۲. خرد عملی
۵۱		۳. سنجش نیروی داوری
۶۹		یاکوبی
۸۷		نمایه‌ی اعلام و اصطلاحات

سخن ناشر

اهمیت درسگاههای تاریخ فلسفهی هگل بر اهل فلسفه پوشیده نیست؛ از این رو نشر فارسی در این زمینه در صورت اقبال خوانندگان - به یاری مترجمان توانا کل این اثر سترگ را در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار دهد. رویکرد ما یاری جستن از مترجمانی است که در زمینه فلسفهی هگل و نیز در زمینهی موضوع و فیلسوفی که هگل راجع به آن به فلسفه ورزی می پردازد، از تخصص و آگاهی لازم بهره مند باشند؛ و همچنین نظر به این که در گفتارهای تاریخ فلسفهی هگل کتاب بسیار حجیمی است، بر آنیم تا امکان انتخاب برای درینش موضوع و فیلسوف مورد نظر را برای خوانندگان عزیز فراهم کنیم. امید است که ترجمه ای دقیق و صحیح از این اثر مهم در اختیار خوانندگان قرار دهیم.

دیباچه‌ی مترجم

به هگل نسبت داده‌اند، به گویی به دانشجویانش توصیه می‌کرده است تا فلسفه‌ی افلاطون را با عینِ فلسفه‌ی کانت بخوانند. این تعبیر به طور طبیعی ذهن ما دانشجویان فلسفه را به خود مشغول می‌سازد؛ زیرا از خود خواهیم پرسید که سرشت چنین خوانشی چیست و چرا با آمدنِ فلسفه‌ی مهمی دارد که هگل آن را چونان پروژه‌ای فلسفی به اهل فلسفه پیشنهاد کرده است. انگیزه‌ی علمی من برای خواندن نوشته‌ای از هگل که تعبیر دقیق و از فلسفه کانت و افلاطون را، هرچند جداگانه، به دست دهد همانا فهم همین پیشنهاد علمی هگل بوده است. برای این منظور در نوشته‌های فراوان هگل به دنبال جاهایی گشتیم که هگل در آنجا آشکارا یا ضمنی تعبیر خود از فلسفه‌ی کانت یا افلاطون را بیان کرده باشد. در مورد کانت دو نامزد اصلی داریم: (۱) رساله‌ی ایمان و شناخت (۲) همین کتاب که در اختیار شماست، یعنی بخش کانت در سگفتارهای تاریخ فلسفه. با قصد خواندن و فهمیدن این دو اثر هر دو را به فارسی ترجمه کرده‌ام، که خوشبختانه هر دو تقریباً هم‌زمان ولی از سوی دو نشر جداگانه منتشر می‌شوند. در رساله‌ی ایمان و شناخت - که ترجمه‌ی فارسی آن توسط نشر حکمت منتشر می‌شود - تعبیر هگل جوان را از کانت مشاهده می‌کنیم و در این کتاب که در دست دارید تعبیر هگل در دوران پختگی‌اش را. هگل رساله‌ی ایمان و شناخت هگل دوره‌ی ناست که

رساله‌اش را در مجله‌ی انتقادی فلسفی شلینگ منتشر می‌کند و اولین تلاشهای آشکارش برای جدایی از سیطره‌ی فکری کانت را به منصه‌ی ظهور می‌رساند. ولی هگل در سهای تاریخ فلسفه هگل دوره‌ی برلین است که در شرایط استقرار موقعیت فکری به عنوان یک فیلسوف مجرب پروژه‌ی تاریخ فلسفه‌اش را به مدت حدود ده سال محقق می‌سازد. او در این دوره آثار سترگی چون پدیدارشناسی روح، منطق و حتی روایتی از دانش‌نامه‌ی علوم فلسفی را نگاشته و منتشر کرده است و اکنون در این موقعیت تعبیری از فلسفه‌ی کانت را ارائه می‌دهد. البته هگل سالها پیش از تقریر در سهایش در برلین پیرامون تاریخ فلسفه، در همان بنا درس‌هایی درباره‌ی تاریخ فلسفه ارائه داده بود که متأسفانه اصل آن در اختیار نیست. ولی در سالهای گذشته به طور گسترده‌تر در برلین شرایطی فراهم شد که وی توانست طی چندین دوره، متوالی تقریر خود از تاریخ فلسفه را ارائه دهد. آنچه در همه‌ی این دوره‌ها کاملاً چشمگیر بود این بود که هگل در همه‌ی این پروژه‌ها از منظری فلسفی به تاریخ فلسفه و پرداختن به آن از منظری عقایدنگارانه، در واقع در سهای تاریخ فلسفه‌ی هگل بیشتر فلسفه‌ی تاریخ فلسفه‌اند، در حالی که نمونه‌های موجود تاریخ فلسفه پیرامون ما عمدتاً با دست‌نگاری فلسفه‌ها هستند. به همین دلیل است که ما با خواندن آنها احساس نمی‌کنیم که در حال خواندن اثری فلسفی هستیم. این در حالی است که تاریخ فلسفه‌ی هگل حقیقتاً مصداق خوبی از اثری فلسفی است که توضیح‌دهنده‌ی این سخن هگل است که مطالعه‌ی تاریخ فلسفه مطالعه‌ی خود فلسفه است.

به هر روی، مواجهه‌ی ما با تاریخ فلسفه‌ی هگل باید ذیل همان توصیه‌ی بنیادین او باشد. هنگامی که هگل می‌گوید فلسفه‌ی افلاطون را با عینک فلسفه‌ی کانت بخوانید قطعاً نمی‌خواهد بگوید که عقاید افلاطون را با عقاید کانت بفهمید یا توضیح دهید. چنین کاری بیهوده و حتی نادرست است. هر نظامی از عقاید فلسفی را باید تنها در بستر خودش خواند و فهمید و هگل این را بهتر از هر کسی می‌داند. بازی، سخن هگل این است که دانشجوی فلسفه باید میان فلسفه‌ی

افلاطون و کانت دیالکتیکی برقرار کند تا از میانه‌ی آن فهم نویسی فراهم آید. بی‌گمان دیالکتیکی از این دست ورزیدن، کاری فلسفی است و نه تاریخی. شاید این دیالکتیک ما را به کرانه‌ی فلسفه‌ی خود هگل رهنمون کند و به این ترتیب منطق ضروری یک پدیدار از آگاهی را به ما نشان دهد. ولی صرف‌نظر از این پاسخ احتمالی، وجود ترجمه‌ی هر دو اثر یاد شده این امکان را فراهم می‌آورد تا هم فراز و فرود تعبیر هگل از کانت را مشاهده و بررسی کنیم و هم به دنبال پاسخهایی بنم. برای پرسشی باشیم که در آغاز پیش کشیدم. بخش دیگر این پروژه مربوط به افلاطون است که به جای خود کار شده است و عرضه خواهد شد. در ادامه مایلیم چند نکته درباره‌ی این اثر و برگردان آن بیان کنم:

۱. مجموعه‌ی درسهای تاریخ فلسفه‌ی هگل بر پایه‌ی دست‌نوشته‌های خود هگل و شاعران حاضر در کلاسهای وی گرد آمده‌اند. خود هگل دست‌کم نه بار به تدریس این درسها اقبال کرده است، و این خود نشان از اهمیتی دارد که هگل برای این درسها قائل بوده است. دست‌نوشته‌های مربوط به ترتیب از این قرارند:

بار نخست در ۱۸۰۵ تا ۱۸۰۶ در لایپزگ؛

دو بار در هیدلبرگ از ۱۸۱۶ تا ۱۸۱۸؛

شش بار در برلین از ۱۸۱۹ تا ۱۸۳۰ (ترم تابستانه ۱۸۱۹ و ترم زمستانی

۱۸۲۰-۲۱ و چهار دوره‌ی کامل دوساله از ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ یعنی

۲۳-۲۴، ۲۵-۲۶، ۲۷-۲۸ و سرانجام ۲۹-۳۰).

البته هگل در ۱۸۳۱ هم برای دهمین بار این درسها را آغاز کرد ولی مرگ ناگهنگام اجازهی پیش‌روی در این درسها را به او نداد. هگل در بنا برای اولین نخستین ارائه‌اش متنی کامل آماده ساخت و این نشان از آن دارد که احتمالاً آن را برای چاپ نوشته بوده است. با این‌که این نسخه در اولین ویرایش و چاپ مجموعه‌ی درسهای تاریخ فلسفه در اختیار گردآورنده و ویراستار بوده است، متأسفانه امروزه این نوشته موجود نیست. شاگردان وفادار هگل از سال ۱۸۳۲ به ویراستاری و انتشار مجموعه‌ی کامل آثار هگل همت گماشتند. نخستین ویرایش مجموعه آثار

در برلین بین سال‌های ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۶ توسط چند تن از دانشجویان وی که خود را «انجمن دوستان او» می‌خواندند، منتشر شد. در همین مجموعه کارل لودویگ میشلت (K.L. Michelet) که یکی از شاگردان وفادار هگل بود به ویرایش مجموعه‌ی تاریخ فلسفه اقدام کرد و نتیجه‌ی تلاش او در مجلد ۱۳ تا ۱۵ مجموعه آثار (Werke) منتشر شد. این مجموعه بین سالهای ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ برای بار دوم در برلین منتشر شد و میشلت هم با تغییراتی که بیشتر از نوع کوتاه‌سازی رجم مطالب بودند توانست ویرایش دومش را در آن مجموعه منتشر کند. خود میشلت بر این واقعات تصریح می‌کند که وی در ویرایش مجموعه، نوشته‌ی دوره‌ی ینا آبه ماند اسکلتی برای بدنه‌ی کار در نظر گرفته و سپس این اسکلت را با یادداشتهای هگل و تریرهایب که از دانشجویان حاضر در اختیار داشته گوشت و پوست بخشیده است. نگارش هرمان گلوکner (Glockner) در ۱۹۵۹ به ویرایش مجددی از مجموعه آثار هگل اقدام کرد (Sämtliche Werke, edited by Hermann Glockner (Stuttgart, 1959) برای درسهای تاریخ فلسفه از همان ویرایش نخست میشلت استفاده کرد و آن را در مجلد ۱۷ تا ۱۹ جای داد. غیر از ویرایش میشلت، که به این ترتیب مرجعیت یافته است، هوفمایستر هم در سال ۱۹۴۰ ویرایشی از تاریخ فلسفه ارائه داد که تا حد زیادی شامل مقدمه و درسهای فلسفه‌ی شرقی بود. ارزش کار هوفمایستر در به دست آوردن انتقادی آن است که سرآغازی برای ویرایشهای انتقادی بعدی است. در ادامه‌ی کار او، ویرایش دیگری آغاز شده که تنها مبتنی بر درسهای یک دوره از دوره‌های نه‌گانه است. معاصرین آنها ویرایش رابرت براون (R.F. Brawn) از درسهای ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۶ است که توسط خود او و همکارش استوارت (J.M. Stewart) به زبان انگلیسی ترجمه هم شده است.

در پایان سده‌ی نوزدهم هالدین (E.S. Haldane) به دست‌یاری فرانسس سیمسون (F.H. Simson) ترجمه‌ی انگلیسی کاملی بر پایه‌ی ویرایش دوم میشلت فراهم کرد. رابرت براون معتقد است گزینش بهتر این بوده که وی ویرایش

نخست را مرجع قرار می‌داد ولی دلیل روشنی برای مدعای خود مطرح نمی‌کند. به نظر می‌رسد هالدین به درستی ویرایش دوم میشل را آخرین نظر میشل تلقی کرده و از همان روآن را برگزیده است. من در این ترجمه‌ی فارسی متن هالدین را با ویرایش نخست میشل که برای دومین بار در ۱۹۷۰ منتشر شد و ما آن را با عنوان نسخه‌ی زورکامپ مشخص کرده‌ایم تطبیق داده‌ام. تنها تفاوت چشمگیر در جای برخی پاراگراف‌هاست. با این همه دقت در همین تفاوت‌ها نشان می‌دهد که آن تأثیر معناداری در فهم ما از منظور هگل نخواهند داشت. من سایر تفاوت‌ها را در کنار تفاوت جای پاراگراف‌ها در پانویست ترجمه‌ی فارسی مشخص کرده‌ام تا خواننده‌ی فارسی‌زبان به صورت انتقادی با متن مواجه شود. امیدوارم در ادامه بتوانم ویرایش برای راه ساختار بالکل متفاوتی دارد در اختیار پژوهشگران قرار دهم تا در نهایت همه با هم به دیدگاه هگل در این زمینه توانستی شود.

۲. هگل هنگامی که به تقریر فلسفه‌ی کانت اقدام می‌کرده است، در پیوند با این فلسفه به تقریر فلسفه‌ی یاکوبی هم می‌پرداخته است. در رساله‌ی ایمان و شناخت هم می‌بینیم که هگل بی‌درنگ پس از کانت به تقریری از فلسفه‌ی یاکوبی اقدام می‌کند. این موازات موجب این شده که ما افزون بر بخش مربوط به فلسفه‌ی کانت بخش فلسفه‌ی یاکوبی را هم ترجمه و ارائه کنیم. واقع به نظر می‌رسد که هگل میان فلسفه‌ی کانت و یاکوبی پیوندی درونی می‌دیده است که براساس آن این دورا با هم بیان می‌کرده است و ما هم با برگردان هر دو بخش این پیوند را حفظ می‌کنیم.

۳. به لحاظ نظام تقدم و تأخر بحث کانت و یاکوبی نکته‌ای بسیار یادآور است. شیوه‌ی تقریر خود هگل، آن چنان که توسط شاگردانش روایت شده، این بوده است که وی در آغاز به تقریر فلسفه‌ی کانت اقدام می‌کرده است و سپس در میانه‌ی بحث به بیان فلسفه‌ی یاکوبی می‌پرداخته است. گردآورندگان مجموعه درس‌ها، برای پرهیز از خلط مباحث، بخش یاکوبی را گاهی پیش از بخش کانت و گاهی پس از آن می‌آوردند. برای نمونه مترجم انگلیسی بخش یاکوبی را در آغاز

آورده است. ولی هم با نظر به تاریخ زندگی و اندیشه‌ورزی کانت و یاکوبی و هم نظر به محتوای مطالب به نظر می‌رسد که باید بخش کانت را تقدم بخشید. خود هگل در آغاز مطالب بخش یاکوبی می‌گوید: «ما در پیوند با کانت باید در این جا از یاکوبی سخن گوئیم». همچنین هم در ایمان و شناخت و هم در این درسها فلسفه‌ی یاکوبی را متأثر از فلسفه‌ی کانت معرفی می‌کند. از همین رو در متنی که دست دارید ابتدا بخش کانت و سپس بخش یاکوبی می‌آید. در ویرایش راوند کلیت درسگفتار به ویژه در دوره‌ی مدرن ساختار متفاوتی دارد. در واقع بنا به ویرایش راوند هگل در ۱۸۲۵ در کنار عنصر تاریخ زیست به موضوع بحث فیلسوفان هم توجه کرده و بر پایه‌ی آن به چالش مطالب اقدام کرده است. به این ترتیب در این درس هم مانند من کنیم که هگل به اقتضای چند موضوع چند بار از کانت سخن می‌گوید. به هر روی مقایسه‌ی این دو ویرایش حتماً درس آموز است ولی در آغاز ضروری است تا این بخش از تاریخ فلسفه بر پایه‌ی ویرایش کلاسیک اولیه در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می‌گرفت.

میشم سفیدخوش